دو راوی مشترک بین دو قاری

حال من الآن مثال‌های آن را سریع عرض می‌کنم. در طبقه قرائات عشر ما تنها دو نفر داریم که تکرار شده‌اند. یکی خود خلف است، خلف هم قاری است و هم راوی است. خلف از قراء عشره است و از راوی های اربعة عشر. اینکه می‌گویی‌م چهارده روایت، یکی از این چهارده روایت برای او است.

البته این را هم عرض کنم، چون دوری هم تکرار می‌شود هم برای ابوعمر و هم برای کسائی، پس روایت چهارده تا داریم اما سیزده راوی داریم. بیستویک طرقی هم که عرض کردم با این توضیحی که عرض کردم برای اصل خود شاطبیه نیست. بیستویک طرق یعنی عشر صغری، عشر صغری در مشترکات هفت، طرقش با طرق شاطبیه یکی است. نه آن جایی که ابن جزری در دره شعرش را گفته... .

من در ذهنم بود که شاید تحبیری را بعد از النشر نوشته است. اما در مقدمه تحبیری و تیسیری دیدم نوشته من النشر را نوشتم و شعر طیبه را گفتم و وقتی که همه کارها را کردم بعد تیسیری و تحبیری را نوشتم. این هم از نظر تاریخش جالب است.

بنابراین اگر ما تنها بر شاطبیه اقتصار کنیم و هیچ کار دیگری نداشته باشیم، در شاطبیه هفت قاری داریم. سیزده راوی داریم و چهارده روایت. چون دوری هم راوی کسائی است و هم راوی ابن علاء بصری. پس چهارده روایت و سیزده راوی داریم. این در خود شاطبیه است. در طریق ها ما در خود شاطبیه چهارده طریق داریم. یعنی برای هر کدام از این چهارده روایت –نه راوی- یک طریق ذکر کرده است. «له طرق تعدی بها». برای هر کدام یک طریق است. پس در شاطبیه می‌شود چهارده طریق.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2024 14:55:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 08:04:32 توسط ... .